

# خطای جبران ناپذیر توانگری II

مترجم: نفیسه قاسم همدانی<sup>۱</sup>

مباحث تئوری و عملی دارند، عدم شایستگی بسیاری از بازبینی‌های ارائه شده که به راحتی شکست می‌خورند را دریافته‌اند. آنها بحران اجتناب‌ناپذیری که در راه است را پذیرفته و بی‌هیچ ترسی حداقل به انتقاد همگانی از برخی جزئیات یا تناقضات می‌پردازند تا اصلاحاتی را در کل سیستم جدید به وجود آورند؛ درست همان‌طور که مائستروی<sup>۴</sup> اسپانیایی در سال ۲۰۰۷ جرأت به‌خرج داد و چنان نمود. این شرایط با آنچه در بخش بانکداری رخ داده، برابر است. البته با احترامی که برای استانداردهای توانگری بال II<sup>۵</sup> و استانداردهای حسابداری بین‌المللی جدید<sup>۶</sup> قائل‌ایم، این استانداردها بسیار گسترده بوده و از آنجایی که طبق اظهارات هوئر تا ده سوتو<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۳، عملکرد تجارت را در همه بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهند، خطر بزرگی برای بازار اقتصادی محسوب می‌شوند. با این وجود ما شاهد متون علمی گسترده‌ای هستیم که به‌طور روزافزونی اساس علمی کل این گرایش را مورد سؤال قرار می‌دهند. همچنین آنها امکان تفاوت نتایج حاصل از قوانین جدید را با نتایج مطلوب و مورد نظر برحسب شفاف‌سازی، رقابت، عملکرد بهبودیافته و توانگری می‌سنجند (در میان دیگران زیچینو<sup>۸</sup> در سال ۲۰۰۶ و کاپلاتسکی<sup>۹</sup> و لوی<sup>۱۰</sup> در سال ۲۰۰۷ دیده می‌شوند).

معمولاً از زمانی که دانشمندان، تحقیقات نظری و

مدل‌های خود را پس از شب‌زنده‌داری‌های مداوم ایجاد

برخی از مقالات اخیر بازبینی آماری، به مشکلات مربوط به حسابداری ارزش منصفانه<sup>۲</sup> و توانگری II<sup>۳</sup> پرداخته‌اند. اما همگی ندانسته با این فرض قبلی شروع می‌کنند که ترکیب شیوه‌های مدیریت ریسک با استانداردهای حسابداری، شرط لازم مدیریت ریسک بهتر است. چکیده این مقاله از مجله اکچوثری در انگلیس، فرض فوق را به چالش می‌طلبد. اگر به‌عنوان یک حرفه به بحث شایستگی استانداردهای حسابداری جدید پردازیم، نیازی به موافقت با مباحث مطرح‌شده نبوده و تنها باید هرچه بیشتر به مطالعه این گونه موارد پرداخت.

در حال حاضر بخش بیمه مجذوب فرآیند اصلاحات قانون‌گذاری است. این امر به‌منظور به‌روزرسانی و رفع نیازمندی‌های توانگری شرکت‌های بیمه از طریق اجرای پیشرفته‌ترین ابزار تئوری مالی و آنالیز ریسک است. تاکنون تعداد اندکی از مردم جسارت تحقیق و پرسش در خصوص اعتبار علمی پایه و اساس نمونه «توانگری II» را داشته‌اند و برعکس بسیاری مردم آن را با خوشنودی ساده‌لوحانه‌ای پذیرفته و برخی از آنها احترام زیادی برای مدل‌های به‌ظاهر پیچیده و در سطح بالا قائل‌اند، با آنکه تنها از نشان‌دادن بی‌اطلاعی خود در صورت انتقاد از آن مدل‌ها بیم دارند. حداقل اقلیت افراد مجرب که مطالعات گسترده‌ای در زمینه

۱. کارشناس فنی طراحی محصولات جدید بانکداری الکترونیک، مهندس تکنولوژی نرم‌افزار کامپیوتر

۲. Fair Value Accounting

۳. Solvency II

4. Maestro

5. Basel 2

6. International Accounting Standard (IAS)

7. Huerta de Soto

8. Zicchino

9. Kaplanski

10. Levy

درمال ماضر بفش بیمه  
مجدوب فرآیند اصلاحات  
قانون گذاری است. این  
امر به‌منظور به‌روزرسانی  
و رفع نیازمندی‌های  
توانگری شرکت‌های  
بیمه از طریق اجرای  
پیشرفته‌ترین ابزار تئوری  
مالی و آنالیز ریسک  
است



# SOLVENCY

۲۰۰ سال، تنها در یکی از آن سال‌هاست؟ آیا هر حادثه مشابه به ما اجازه اندیشیدن به آن احتمال را می‌دهد؟ به‌طور قطع موردی وجود ندارد.

هر شرکت بیمه، یک واقعه منحصر به فرد تاریخی و تکرار نشدنی است که از لحاظ طرح کار آفرینانه، دید مدیران، فرهنگ، محصولات، وفق‌پذیری و ... با هر شرکت دیگری تفاوت دارد. از این گذشته هر شرکت بیمه به‌طور سالانه تغییر کرده و در طول زمان با آنچه خود بوده است نیز متفاوت است. بنابراین در نظر گرفتن توالی تاریخی سال‌های وجود آن به‌عنوان طبقه‌ای از عوامل مشابه، غیرممکن است. از این رو نتیجه گرفته می‌شود که شکل احتمال ۰/۵ درصدی شکست، یک تشبیه ساده بر از دست دادن هدف و مفهوم علمی بوده و تنها مفهوم احتمال شکست که بسیار ناچیز است را می‌رساند و اضافه می‌نماید که تقاضای منطقی و انحصاری منوط به ناظر است که در واقع تغییر می‌کند. به‌علاوه اگر هدف شرکت فاقد مفهوم علمی باشد، محاسبه سود ناخالص<sup>۲</sup> جدید از توانگری II نیز فاقد مفهوم علمی است؛ زیرا به ماهیت نامعلوم و دائمی هر طرح کار آفرینانه بر می‌خورد. همچنین جنبه‌های مختلف تعبیر نادرست «ریسک» به‌جز خود ریسک‌های بیمه

نمایند تا زمانی که تعداد کمی از این مدل‌ها به عملیات اقتصادی روزانه رسوخ کنند، دو یا سه دهه زمان می‌گذرد. شایان ذکر است که استفاده از این مدل‌ها تنها به‌واسطه تلاش گروه‌های ذی‌نفع و صاحب قدرت از قبیل میزان حسابداری، بانک‌های سرمایه‌گذاری، معامله‌گران بازارهای سهام و ... رخ می‌دهد. هنگامی که این مدل‌ها را به روش تبدیل نموده و توسط اعمال جبر و قانون سعی در استفاده از آنها می‌شود، مکرراً فقدان مبنای علمی آنها ثابت می‌شود و با این حال اکثریت شهروندان از این مسئله بی‌اطلاع می‌مانند. این موضوع به‌صراحت وضعیت مبنای نظری توانگری II،<sup>۱</sup> بال II و استانداردهای بین‌المللی حسابداری که به‌طور گسترده‌ای مشترک‌اند را نشان می‌دهد.

کل الگوی توانگری II، اصول اقتصادی ضروری را نادیده می‌گیرد. برای شروع قید می‌نماید که یک شرکت بیمه حداقل باید ۹۹/۵ درصد هدف عدم احتمال ورشکستگی داشته باشد و براساس آن هدف، حد توانگری که موفقیت آن را به‌طور فرضی بیمه می‌کند، برآورد می‌شود. اما احتمال ۰/۵ درصدی ورشکستگی یک شرکت بیمه‌ای به چه مفهوم بوده و چرا سالانه تنها یک شرکت از ۲۰۰ شرکت با شکست مواجه می‌شود؟ آیا احتمال ورشکستگی هر شرکت در طول

1. Entrepreneurial Plan  
2. Margin Calculation

ورشکستگی یک شرکت بیمه به عملکرد ملموس افراد وابسته است که ممکن است در جای نادرست انجام گرفته و یا در جای ضمیمه انجام نشود و این عملکردها از لحاظ اقتصادی و به واسطه مد توانگری قابل بیمه شدن نیستند

که در توانگری II تحلیل شده است، قابلیت بیمه شدن ندارند. ریسک بازار، ریسک اعتباری، ریسک سود، ریسک عملیاتی و ... که در حقیقت ریسک‌های واقعی نبوده و تنها تردیدها می‌باشند، به دایره عملکرد بشر بازمی‌گردند؛ به‌طورمثال برخی موارد منحصر به فرد از کارآفرینی‌های خلاقانه را می‌توان نام برد که به واسطه ماهیت خود، قابلیت بیمه شدن ندارند. همچنین پیش‌بینی آینده‌ای نامشخص و همیشگی از وقایع کارآفرینانه منحصر به فرد و نامتشابه به واسطه توزیع‌های احتمال و سناریوهای به دست آمده بر اساس اطلاعات گذشته، بی‌فایده است. به‌عنوان یادآوری، شکست سرمایه‌گذاری بلندمدت در «مدیریت عالی» را خاطر نشان می‌شویم که با سناریویی مواجه شد که تا آن زمان کسی قادر به تصورش هم نبود.

در پایان، ورشکستگی یک شرکت بیمه به عملکرد ملموس افراد وابسته است که ممکن است در جای نادرست انجام گرفته و یا در جای صحیح انجام نشود و این عملکردها از لحاظ اقتصادی و به واسطه حد توانگری قابل بیمه شدن نیستند. از این رو بیمه فرضی موجود، بر اعمال کارآفرینی اثر گذاشته و احتمال وقوع حادثه و یا شکست شرکت بیمه را افزایش می‌دهد.

به عبارت دیگر تا زمانی که داشتن بیمه‌نامه عمر احتمال فوت بیمه‌شونده را افزایش نمی‌دهد، ثبت حقوقی ورشکستگی فرضی یک بیمه‌نامه از طریق حد توانگری II، عملکرد آگاهانه و ناخودآگاه مشتریان بیمه‌شونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس این مسئله باوری نادرست ایجاد می‌نماید

که توانگری II آنها را در مقابل عملکرد کارآفرینانه نادرست خود، به‌طور خودکار حفاظت می‌کند. در نتیجه بیمه فرضی موجود یا حد توانگری II، مستعد پرورش عملکردهای کارآفرینانه است که در بلندمدت نوسان را افزایش داده و مانع عملیات کارآفرینان مسئول می‌شود و بدین طریق مشکلات بیشتری را برای نمایندگی بیمه و سردرگمی بیشتری را برای بیمه‌شونده به وجود می‌آورد.

شرکت‌های بیمه در طول ۲۰۰ سال گذشته، بدون هیچ‌گونه ابزار مدرنی از تئوری مالی نئوکلاسیک، بدون داشتن تحلیل‌های واریانس و یا مطالعات مواردی با توزیع احتمال متفاوت و بدون هیچ‌گونه ساختار نظری که توانایی II بر اساس آن بنا شده است، مطابق با التزامات خود بر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی غلبه می‌کنند. همچنین شوک‌های بسیار گوناگون خارجی، دیگر مؤسسه‌های مالی از قبیل بانک‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد و به همین علت آنها قادر به ایستادگی در برابر توانگری نیستند؛ به این دلیل که بخش بیمه از برخی رسوم قراردادی اطلاع یافته است که شامل مواردی

## منبع:

Huerta de Soto, J 2009, 'The fatal error of Solvency', *The Actuarial Review*, vol. 29, pp. 74-7.

از ارزیابی قیمت بازار، مدیریت محتاطانه درآمد ثابت مطلوب از سرمایه گذاری ها، استفاده از نرخ بهره بدون در نظر گرفتن مؤلفه تورم در بیمه عمر، معرفی شروط قراردادی با هدف حذف خطرات معنوی و ... می شود و بر همین اساس موفق شد با کمک عملیات کار آفرینانه بر شک و شبهه های خود و نه بر ریسک ها فاتق بیاید.

با این حال امروزه تلاش بسیاری جهت حذف اصول سنتی بخش بیمه می شود که این اصول شامل قیمت بازار یا حسابداری ارزش منصفانه، حذف برابری سهام، محاسبه گردش وجوه و دیگر استاندارد جهانی حسابداری از قبیل سرمایه جاری، سرمایه گذاری در بخش جایگزین و ... است. اصول سنتی در حال جایگزینی با مدیریت اقتضایی<sup>۱</sup> است و تنها در محدوده توانگری II- که به طور فرضی علمی است- حمایت می شود و از آن انتظار می رود احتمال ۵ درصدی شکست یک شرکت بیمه را گارانتی نماید. به هر حال در صورت اینکه تقاضاهای جدید عملاً متداول شوند (ورای برآورده ساختن نیازهای یک ناظر دولتی که رسوم بنا شده دیرینه را تحت تأثیر قرار نمی دهد و کارها با همان روال پیشین در حال انجام خواهند بود)، تأثیرات به وضوح و به طور کلی مخالف با آنچه جستجو می کردیم، خواهد بود. برخی از آن موارد شامل توانگری کلی کمتر در بخش بیمه و خسارت ناشی از ایمنی مورد قرارداد است که نفع زیادی به بیمه شونده و حتی در زمانی کوتاه نفع بسیاری به گروه مقام های ذی صلاح خبره، تحلیل گران، میزبان و ... رسانده است. این دسته، افراد مغروری هستند که مشغول دفاع از دانش نادرست خود بوده و کارشان شبیه بازی کردن با آتشی است که ممکن است بنیان و اساس بازار اقتصاد و به خصوص مؤسسه بیمه را به خطر بیندازد.